



Research Article

Makran Region; The Center of New Competitions in Asia

Mozaffar Hasanvand^{*1}

1. Phd in political thought, Political Sciences Department, Shiraz University, Shiraz, Iran

Article history:

Received: 09/06/2024

Accepted: 22/08/2024

Abstract

In the past two decades, the shape and nature of regions in Asia have changed significantly, and the position of regions in Asia has also shifted. Nevertheless, the type of competition in the Makran and Middle East regions is more distinct from the other two regions due to the relative distance between the great powers and the emergence of regional powers, making the number of actors and the nature of competition more complex. With the intensification of competition, efforts to gain a larger share in these areas are increasing. Therefore, this study evaluates how, in the context of analyzing the current international system in Asia, the position of the Makran region (centered in southeastern Iran) and the relations between Asian actors (especially China) are evolving. In response, the proposed hypothesis is that the position of new regions in Asia, particularly in the Makran region (southeastern Iran), has changed, and a complex form of competition is emerging, which differs from the classical order.

Keywords: Asia, International System, Makran Region, China, Russia, Iran

Please cite this article as:

Hasanvand, M. (2024). Makran Region; The Center of New Competitions in Asia. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 1(1) 127-154. <https://doi.org/10.22099/ijas.2024.50428.1005>

^{*} Corresponding author: E-mail address: mozaffar.hasanvand@gmail.com



Copyright: © 2024 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



منطقه مکران؛ کانون رقابت‌های جدید در آسیا

مظفر حسنونند^{۱*}

۱. دکترای تخصصی اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

اطلاعات مقاله

چکیده

در دو دهه حاضر، شکل و ماهیت مناطق در آسیا تغییر چشمگیری پیدا کرده و با تغییرات ایجادشده، جایگاه مناطق در آسیا دگرگون شده است، با این وجود، نوع رقابت در دو منطقه مکران و خاورمیانه متفاوت‌تر از دو منطقه دیگر است، زیرا به دلیل دوری نسبی قدرت‌های بزرگ و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای، تعدد بازیگران و نوع رقابت‌ها پیچیده‌تر شده و با تشدید رقابت‌ها، تلاش‌ها برای سهم‌خواهی بیشتر در این مناطق در حال افزایش است. این مقاله با هدف تحلیل وضعیت کنونی نظم بین‌المللی در آسیا، سعی در ارائه پاسخ به این پرسش دارد که جایگاه منطقه مکران (با محوریت جنوب شرق ایران) در نوع مناسبات بازیگران آسیایی (به‌ویژه چین) چگونه است؟ در پاسخ، فرضیه مطروحه عبارت است از اینکه، جایگاه مناطق جدید در آسیا به‌ویژه در منطقه مکران (جنوب شرق ایران) تغییر یافته و شکل پیچیده‌ای از رقابت‌ها در حال شکل‌گیری است که با نظم کلاسیک در تمایز است.

واژگان کلیدی: آسیا، نظام بین‌الملل، منطقه مکران، چین، روسیه، ایران

استناد به این مقاله:

حسنوند، مظفر (۱۴۰۳). منطقه مکران؛ کانون رقابت‌های جدید در آسیا. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا، ۱. (۱). ۱۲۷-۱۵۴.

E-mail address: mozaffar.hasanvand@gmail.com

* نویسنده مسئول:



Copyright: © 2024 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

سرآغاز

دیگر بدیهی است که بگوئیم یازده سپتامبر ۲۰۱۱ «همه‌چیز را تغییر داد» یا آن‌که «دیگر هیچ‌چیز مثل سابق نخواهد بود»... پادشاهی‌های بی‌عدالت همانند قلمرو بارون‌های دزد است. پس اگر عدالت از میان برود، پادشاهان چه خواهند بود، مگر دسته‌های دزدان بزرگ؟ میر گروه‌های دزدان چه هستند، به‌جز پادشاهی کوچک؟... این همان پاسخ زیرکانه و درستی بود که دزد دریایی اسپر به /سکندر کبیر داد، زمانی که پادشاه پرسید، چه تصویری از خود داری که فکر می‌کنی باید دریا را عرصه دست‌اندازی و چپاول قرار دهی؟ او نیز با خودسری سرکشانه پاسخ داد: «همان تصویری که تو در هنگام چپاول دنیا داری! از آنجاکه من این کار را با کشتی کوچکی انجام می‌دهم، مرا دزد دریایی می‌نامند و چون تو با نیروی دریایی بزرگی انجام می‌دهی، تو را امپراتور می‌خوانند».^۱

درهم‌تنیدگی و پیچیدگی مسائل جهانی در دو دهه حاضر، چنان با سرعت در حال پیشرفت و دگرگونی است که نه با ابزارهای سنتی و حتی کنونی می‌توان به ارزیابی و تحلیل آن پرداخت و نه به دلیل ابهام و ماهیت معماگونه قدرت و امنیت می‌توان نگاه‌های رئالیستی و سخت را کنار گذاشت. جان ملیسن^۲، بر همین مبنا، در دو دهه پیش در پژوهش خود به‌درستی این فرض را تأیید کرد که دیپلماسی و سیاست در قرن جدید در روابط بین‌الملل، نه از کانال و دالان ابزارهای سنتی و سخت، بلکه از مجرای قدرت نرم و منظرهای تازه گذار خواهد کرد (Melissen, 2005). سیاست بین‌الملل به‌موازات تحول در ارتباطات و فناوری^۳ و ماهیت کنش بازیگران در حال دگردیدی معناداری است. از دهه ۱۹۹۰ تلاش‌های قابل‌توجهی برای گسترش (ازنظر جغرافیایی) اثر آرام‌بخش چارچوب‌های امنیتی منطقه‌ای طولانی‌مدت، به‌ویژه در اروپا و آسیا صورت گرفته است. در اروپا، گسترش اتحادیه اروپا و ناتو تا حد زیادی مبتنی

۱. بخشی از پیشگفتار فرانسیس آنتونی بویل در برهم زدن نظم جهانی: امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه پیش و پس از یازده سپتامبر (بویل، ۱۳۹۰).

2. Jan Melissen

۳. به‌ویژه با انقلاب در هوش انسانی در عصر دیجیتال (ر. ک به: Moore, 2021) و بالانقص هوش مصنوعی این روند به شکل شتابنده‌ای در حال تحول است.

بر این دیدگاه است که موفقیت آن‌ها در کمک به ظهور یک جامعه امنیتی در اروپای غربی می‌تواند به اروپای مرکزی و شرقی گسترش یابد. اتحادیه اروپا و ناتو در حال حاضر برای آلمان و لهستان یا مجارستان و رومانی، در میان دیگران، کاری را انجام می‌دهند که برای نزدیکی فرانسه و آلمان در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (و اجتناب از جنگ آشکار بین یونان و ترکیه) انجام دادند. در طول دهه ۱۹۹۰ اتحادیه اروپا و ناتو الحاق را مشروط به حل مناقشات نامزدها با کشورهای همسایه کرده و بدین ترتیب دولت‌ها را تشویق کردند (Sakhuja & Prabhakar, 2022: 202).

فروپاشی شوروی تغییرات قابل توجهی در ماهیت روابط بین کشورها در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد کرده و منجر به تغییر در اهمیت استراتژیک کشورها شده است و در نتیجه، اهمیت فزاینده استراتژیک مناطقی نظیر خلیج فارس، آسیای مرکزی و خاورمیانه. نهایتاً، پایان اتحادها و بلوک‌بندی‌های مشابه دوران جنگ سرد و رقابت جدید بین قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای را سامان داده است (Hunter, 2010: 7-8). امروزه شاهد توسعه و قدرت‌یابی کشورهایی هستیم که با گذار از نظم سنتی روابط بین‌الملل، جایگاه و موقعیت قدرت هژمون و متحدان آن را به چالش کشیده و دستاوردها و ظرفیت‌های آن‌ها در سطح جهانی غیرقابل انکار است. این کشورها با نظم و سامان‌دهی جهانی سیستم‌های چندجانبه‌ای را به وجود آورده‌اند و همانند یک کنشگر هژمونیک ایفای نقش می‌کنند. اعضای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) امروزه حدود یک‌سوم اقتصاد جهانی را به دست آورده و تجلی اصلی جایگاه‌یابی اقتصادی در الگوی رفتاری چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی محسوب می‌شوند (صالحی و حسونند، ۱۳۹۹: ۵۲).

به‌درستی در حال حاضر، نمی‌توان به این فرض تأکید داشت که حوزه‌های قاره‌ای مانند اوراسیا [و همانند آن مناطقی چون جنوب شرق ایران و در سطح کلان‌تر مکران] که حوزه‌های درون محور و با ماهیت خودکفایی اقتصادی و نظام‌های بسته و ارتباطات اندک هستند (رک. به: Cohen, 2003). با این وجود، سه مسئله کلان حاکی از عدول از مفروضات پیشین است. نخست، خیزش شتابنده چین و تقلیل نقش راهبردی ایالات متحده در مناطق مختلف به‌ویژه آسیا؛ دوم، تغییر در ماهیت سیاست رفتاری روسیه به‌ویژه پس از مداخله در بحران سوریه و حمله نظامی به اوکراین و سوم، ظهور مناطق جدید با بازیگران تجدیدنظرطلب مانند منطقه

مکران و رقابت بین چین، هند، پاکستان، بازیگران عرب حاشیه خلیج فارس، ایران و برخی دیگر از قدرت‌ها و به تبع آن، بازتعریف مجدد الگوهای دوستی و دشمنی. با تحول در قدرت نظام بین‌الملل و ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید در حاشیه اقیانوس هند [و نقش فوق استراتژیک مکران با عنایت به توجه خاص بازیگران جهانی، فرا منطقه‌ای و منطقه‌ای] منطقه جنوب شرق ایران به یکی از عرصه‌های رقابت بازیگران مختلف در دهه‌های حاضر تبدیل شده است. میزان سرمایه‌گذاری قدرت‌های نوظهوری چون چین در مناطقی چون خلیج گوادر و تلاش پاکستان برای خروج از تنگناهای ارتباطی و ژئوپلیتیک و به‌ویژه ترجیحات اقتصادی، منجر به تأثیرات و پیامدهای مختلف در جنوب شرق ایران و بالأخص بندر چابهار شده است (Slavin, 2023).

در پژوهش حاضر، نویسندگان به بررسی مکمل دو پرسش اساسی خواهند پرداخت؛ به این معنا که با بازشناسی نظام جهانی در حال حاضر به بررسی جایگاه مناطق جدید به‌عنوان دالان‌های رقابت بازیگران اقدام کرده و با نازک‌شدن بر جایگاه منطقه‌ای مکران -در طول آن جنوب شرق ایران- و امتداد آن تا بخش دریایی جنوب غرب آسیا (با محوریت خلیج فارس)، آن را مورد مذاقه قرار داده و در ادامه نیز، نقش بازیگران نوظهور -ترجیحاً با محوریت کنشگران آسیایی مؤثر در این بخش منطقه‌ای- به نوع مناسبات و تعاملات موجود آن‌ها در دنیای پیچیده کنونی پرداخته می‌شود. تحقیق اخیر، جزو پژوهش‌های تئوریک در حوزه روابط بین‌الملل، منطقه‌گرایی و مطالعات استراتژیک قرار گرفته و به‌تبع آن نیز، ساخت و بنیان مفهومی آن بر پایه ملاحظات نظری -مرتبط با تحول در نظام جهانی و ظهور مناطق جدید و بازتولید نقش کنشگران- است. سطح و نوع روش‌شناسی نیز توصیفی -تحلیلی است.

۱. پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی از منظرهای مختلف به منطقه مکران و مسائل مرتبط با آن پرداخته‌اند. پژوهش تیشه‌یار (۲۰۱۱) در واکاوی روابط تهران و دهلی‌نو در بین سال‌های ۱۹۷۹-۲۰۰۹، نشانگر نوعی پویایی بر محوریت بندر جنوبی ایران و مکران است، هرچند این مناسبات تحت تأثیر تقابل ایران و غرب استمرار نیافته است و درگیر الگوهای جدید دشمنی و دوستی در

منطقه شده است. *اسمال*^۱ (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که محور چین و پاکستان، به دنبال ایجاد نظم و ژئوپلیتیک جدید در آسیا به‌ویژه در منطقه مکران و بنادر پاکستانی در این زمینه است و تلاش‌های رهبران چین در این زمینه، بیانگر تعمیق روابط با پاکستان به دلیل جایگزینی با ایالات متحده و انزوای ایران است. در پژوهشی که نتایج آن به نحوی می‌تواند از عوامل گرایش پاکستان به رقبای تهران باشد، می‌توان به پژوهش نیکولینی^۲ اشاره کرد. یافته‌های تحقیق با بررسی ابعاد تاریخی، قومی و ژئوپلیتیک قوم بلوچ نشانگر آن است که تصمیم تهران برای انجام حملات هوایی سنگین علیه پاکستان در ۱۶ ژانویه ۲۰۲۴، با هدف قرار دادن مراکز ادعایی شبه‌نظامیان گروه جیش العدل (جند الله سابق) در بلوچستان منجر به تشدید بی‌سابقه تنش‌ها و افزایش نگرانی‌ها در مورد بی‌ثباتی بیشتر منطقه‌ای در مناسبات دو کشور شده است. یافته‌های *برزگزاده زرندهی* و همکاران (۲۰۲۱) در «جایگاه ایران در رقابت ژئوپلیتیک چین و هند: تأکید بر نقش چابهار» بیانگر آن است دسترسی ژئوپلیتیکی چین و هم هند به‌طور مداوم به دنبال تسهیل ارتباط خود با اوراسیا از طریق ایران و پاکستان و در نتیجه افزایش وزن ژئوپلیتیک خود برای برخورداری از موقعیت بهتر در سیاست جهانی در قرن بیست و یکم هستند. گزارش دفتر کمیساریای کل پناهندگان و افراد بدون تابعیت^۳ (۲۰۲۴) در مورد وضعیت امنیتی پاکستان در هر منطقه و جغرافیایی خشونت، روند خشونت‌های منطقه‌ای و بخش‌های جغرافیایی مختلف در مناطق را بررسی کرده و با تمرکز بر گزاره «امنیت» مؤلفه‌های اخیر آن را مورد واکاوی قرار داده است. *علیمات*^۴ (۱۳۹۵) در چین و خاورمیانه: از جاده ابریشم تا بهار عربی، به نقش چین در خاورمیانه جدید پرداخته است و با بررسی مناسبات دوجانبه این کشور با بازیگران مهم این منطقه، نگاه جامعی از وضعیت ارائه داده است. بالین وجود، به علت تمرکز بر خاورمیانه به نقش چین در مکران پرداخته است. یافته‌های ویسی (۱۴۰۲) بیانگر توسعه مکران در گرو اتخاذ استراتژی دریایی و آمایش سرزمین است و این اقدام به میزانی می‌تواند بر مناسبات بین‌المللی ایران تأثیر بسزایی داشته باشد. *صالحی* و

1. Small

2. Nicolini

3. Office of the Commissioner General for Refugees and Stateless Persons (CGVS/CGRA)

4. Olimat

همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی ظرفیت های جغرافیای جنوب شرق ایران را جهت ارزیابی سیستم بازدارندگی منطقه ای را مورد ارزیابی قرار داده اند. پژوهش حاضر ضمن بهره گیری از یافته های مذکور در دو سطح با آن ها در تمایز است؛ نخست، پرداخت به موضوع به عنوان بخشی از تغییرات نظام بین الملل با محوریت آسیا و دوم، پرداخت به ابعاد خارجی رقابت و تعاملات در منطقه مکران در تمایز با نظم کلاسیک.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. سطح تحلیل کلان در نظام بین الملل و منطقه گرایی نوین

بر اساس نظرسنجی موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در سال ۲۰۲۱ می توان استدلال کرد که جهان به طرز خطرناکی بین یک نظم سنتی مبتنی بر قوانین - که به نظر می رسد برای اهداف معاصر ضعیف حفظ شده است - و نظم جدید - که هنوز به خوبی طراحی و مهندسی استراتژیک نشده است - در نوسان است (Giegerich, Hokayem & Jagtiani, 2022:2). آیا عبور جهان از نظم دوقطبی و گرایش به سمت سیستم های جدید و تحول یافته، حاکی از اولویت مسائل اقتصادی و اجتماعی به جای مصادیق نظامی و امنیتی سنتی است؟ مسلماً، پاسخ به این پرسش مستلزم در نظر گرفتن مناطق مختلف و نوع الگوهای رفتاری و تعدد بازیگران و ماهیت روابط است. همان طور که پیشتر نای و کوهن^۱ نیز در ابتدای قرن حاضر عنوان کرده اند، بسیاری از نهادهای منطقه ای جدید یا احیاشده که از اوایل دهه ۱۹۹۰ ظهور کرده اند، عمدتاً جنبه اقتصادی دارند. باین حال، همکاری و یکپارچگی اقتصادی منطقه ای را می توان دارای ابعاد یا پیامدهای امنیتی مهمی دانست. همکاری و ادغام اقتصادی ممکن است با تمایل به کاهش احتمال درگیری سیاسی یا نظامی بین دولت های درگیر انجام شود: استدلال می شود که وابستگی متقابل اقتصادی بین دولت ها هزینه های استفاده از زور را افزایش می دهد و منافع مشترک ایجاد می کند (Nye & Keohane, 2001).

باین حال، همکاری امنیتی منطقه ای در بیشتر نقاط جهان به خوبی ریشه دوانده و همچنان در حال گسترش است. منتقدان ممکن است سودمندی آن را در مواجهه با سخت ترین

چالش‌های امنیتی مانند تروریسم و درگیری‌های خشونت‌آمیز، مورد مناقشه و انتقاد قرار دهند و این درست است که حتی توانمندترین گروه‌های منطقه‌ای پیشینه نامعتبر و شکننده‌ای دارند و نمی‌توانند تظاهر کنند که به‌تنهایی بر همه این چالش‌ها تسلط دارند. نقطه قوت آن‌ها بیشتر در یافتن مسیرهای غیرتعارضی برای حل اختلاف‌ها و ایجاد صلح و بررسی نتایج همکاری چندجانبه دولتی برای وظایف امنیتی جدید و همچنین قدیمی است. آیا چنین گروه‌های امنیتی می‌توانند همسایگان خوبی در جهانی باشند که هنوز دارای قدرت‌های تک دولتی و مناطق غیر سازمان‌یافته است؟ در اصل، دستاوردهای امنیتی آن‌ها تا زمانی که در چارچوب سازمان ملل متحد و سایر هنجارهای جهانی کار کنند، می‌توانند ارزش کلی‌تری داشته باشند؛ اما هنوز تأثیر آن‌ها بر سیاست عملی جهانی نامشخص و مسائل زیادی در آن دخیل است (Bailes & Cottey, 2006).

عموماً منطقه‌گرایی به خاطر این واقعیت در دستورکار رهبران منطقه‌ای قرار می‌گیرد که نخست، دستیابی به رهبری جهانی دشوار بوده و ایفای کنش در مناطق خود، واقع‌بینانه است؛ دوم، ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های درون و بیرون منطقه‌ای، توانایی اقدام مؤثر به‌ویژه در تضاد با منافع هژمون در کنار متحدان و نوعی آزادی اقدام فارغ از محدودیت‌ها سیستمی را نداشته و هنجارها و سازوکارهای آن حاصل ابتکار کنشگران محلی است (حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۴۲)؛ بنابراین، منطقه‌گرایی می‌تواند انتخاب عاقلانه‌ای برای آن‌ها باشد، زیرا قابل‌دسترس‌تر و اطمینان‌تر از سطح جهانی است و از توانمندی وجود فضای مستقل برای اقدام برخوردارند و درنهایت آنکه، منطقه‌گرایی آغازی برای پذیرش قدرت برخی کشورها از سوی جامعه جهانی است. علیرغم تحول مفهومی و تئوریک در منطقه‌گرایی، نمی‌توان ادعا کرد که این روند می‌تواند به سهولت پیش رود. هم‌زمان با تحول مذکور، چالش‌ها و مشکلات برای منطقه‌گرایی نیز متحول و دگرگون شده‌اند (حسنوند، ۱۴۰۰: ۵۲).

در مطالعات سنتی، نقش قدرت‌های بزرگ در سامان مناطق بسیار برجسته است و میزان نفوذ، دخالت و دست‌کاری مسائل از سوی قدرت‌های بزرگ و هژمون گسترده است و قدرت‌های بزرگ، نوعی مشروعیت مداخله را در مناطق مختلف برای خود قائل‌اند (سیاست قدرت‌های استعماری از قرن پانزدهم تا اوایل قرن بیستم). این مسئله درجه استقلال کنشگران منطقه‌ای را به‌مراتب کاهش داده و کنشگران کمتری مدعای مخالفت با نظم موجود را دارند،

زیرا فاقد امکانات و مقدرات برای ایجاد توازن مانند توانمندی‌های موشکی و هسته‌ای هستند و واکنش قدرت‌های بزرگ با توجه به فقدان گسترده آگاهی عمومی در عرصه جامعه بین‌المللی و فقدان نهادها و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط، شدید است (حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۴۹-۵۰). با شکل‌دهی‌های متعدد الگوهای دوستی و دشمنی، کنشگران جهت فائق آمدن بر محذورات ساختاری از دو راهبرد الگوی رفتاری چندجانبه‌گرایی بهره گرفتند: الف. چندجانبه‌گرایی با محوریت جغرافیا و محیط‌های منطقه‌ای و مجاور مانند کشورهای حاشیه خلیج فارس و ب. چندجانبه‌گرایی با محوریت هویت و انسجام معنایی مانند ترکیه و آسیای مرکزی یا ایران و یمن. این امر جایگاه‌های هر یک از کشورها را نیز به‌نوعی به تصویر می‌کشد و حاکی از پیوند رو به افزایش سیاست خارجی با سطوح مختلف داخلی و خارجی است (صالحی و حسنوند، ۱۳۹۹: ۵۳).

همان‌طور که طبق نظر بوزان، پایان حضور نظامی آمریکا در آسیای شرقی دارای پیامدهای عظیمی در رابطه با جایگاه ابرقدرتی آمریکا بوده است، در خاورمیانه نیز همان پیامدها در اشکال پیچیده‌تری نیز متصور است و مهم‌ترین آن حضور قدرت‌های بین‌المللی نوظهور نظیر چین و روسیه است. اگر آمریکا در شرق آسیا رهبر مقابله با مسائلی چون بحران کره و بحران تایوان بود (ر.ک به: Buzan, 2003: 168)، در خاورمیانه این نقش را در سوریه تا حدی روسیه بر عهده داشت. اگر نقش مدیریت بین تایوان و چین و نیز رقابت بین ژاپن و کره جنوبی و چین را ایالات متحده رهبری می‌کرد، همان نقش از سوی چین بین ایران، اسرائیل و بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس ایفا می‌شود؛ با این تفاوت که ماهیت رهبری آمریکا، نظامی-امنیتی و چین تجاری-اقتصادی است.

به تعبیر تامپسون و همکاران با تغییر در جایگاه بازیگران، محتمل‌ترین فرض، افزایش روند چندجانبه‌گرایی و گرایش نظام به چندقطبی شدن و الگوهای جدید امنیتی و همکاری است (Thompson, et, Al, 2021). می‌توان از یک منظر گفت که سیاست و رفتار چین در مناطق مختلف بر اساس قاعده و منطق قدرت تعریف می‌شود و به میزان امکانات و احتمال خاص هر بازیگر در مورد دوری یا نزدیکی به چین و ایالات متحده و نیز ارزیابی دایره انتخاب‌های هر کنشگر تعریف می‌شود. برای نمونه رهبران چین، در سیاست خود در مواجهه با بازیگران نزدیک به نظم آمریکایی، تلاش دارند تا هم به‌نوعی اعتمادسازی کنند و هم منافع و اهداف

آن‌ها را نیز لحاظ کنند. ولی این مهم، در مورد بازیگران تجدیدنظرطلب و گاه‌ها در حال توسعه - که ترجیحاً روابط سطحی و عموماً نظامی با غرب دارند- متناقض و دوسویه است. به عبارتی، تلاش چین از یک‌سو، در جهت نزدیک شدن به متحدان سنتی آمریکا مانند بازیگران عربی و حتی اسرائیل و هند است و حداقل نمی‌خواهد که کل سهم و منافع در اختیار آمریکا قرار بگیرد. ولی این مورد در ارتباط با ایران، سوریه و افغانستان، به علت ناگزیری خاص این کشورها، بر اساس ترجیحات و منافع چین و احیاناً متحدان دیگر آن است. می‌توان در توضیح این رفتار تا حد بسیاری با بسون و ژو^۱ (۲۰۱۶) هم عقیده بود که چین به مثابه یک کنشگر در امور جاری بین‌المللی هنوز هم بازیگری جدید بوده که مورد آزمون قرار نگرفته است و پذیرش ظرفیت چین برای نقش رهبری جهانی و رقابت با ایالات متحده چندان با واقعیات در تناسب و سنخیت نیست (Beeson & Xu, 2016).

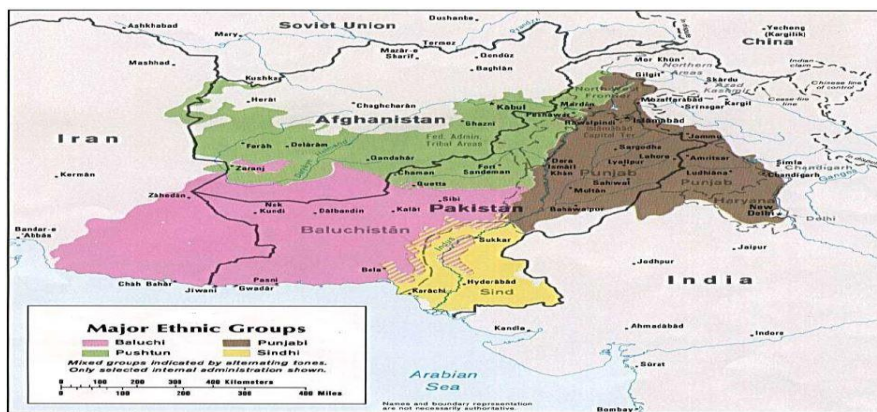
۲-۲. بازیگران و سطح تحلیل منطقه‌ای؛ مربع قومیت، مذهب، فقر و رادیکالیسم

از جمله کنشگران منطقه‌ای که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری چالش‌های امنیتی، به‌ویژه در قالب گروه‌های تروریستی در جنوب شرق ایران تأثیرگذار بوده‌اند، دو کشور پاکستان و عربستان سعودی هستند. در شرایط کنونی، سعودی‌ها با تأسیس «دانشگاه بین‌المللی اسلامی» در اسلام‌آباد و «دانشگاه فیصل‌آباد» علاوه بر آموزش و تربیت دانشجویان در چارچوب اندیشه وهابی، مشغول آموزش معلمان تعلیمات دینی در مدارس وابسته به آموزش و پرورش پاکستان هستند. این بدان معنی است که غیر از مدارس مذهبی، مدارس دولتی و خصوصی پاکستان نیز تحت آموزه‌های وهابیت قرار می‌گیرند. علاوه بر این، عربستان با پشتیبانی از مدارس مذهبی، احداث مساجد و مراکز تبلیغی، ترویج زبان عربی و جذب نیروی کار پاکستانی تلاش می‌کند تا اندیشه‌های وهابیت را در جامعه پاکستان نهادینه کند^۲ (دبیری و حافظ نیا، ۱۳۹۶: ۱۷۵). در همین راستا این‌گونه اقدامات، ایالت بلوچستان را که در طول تاریخ

1. Beeson & Xu

۲. به‌طور کلی جامعه مذهبی پاکستان به چهار جریان عمده تقسیم شده است: ۱. دیوبندی؛ ۲. بریلوی؛ ۳. اهل حدیث؛ ۴. مکتب شیعه تحریک جعفریه.

پس از استقلال پاکستان، با قوم‌گرایی و جدایی‌طلبی بلوچ شناخته شده،^۱ طی سال‌های اخیر به‌ویژه در دو مقطع با پدیده سلفی‌گری مواجه کرده است. اولین موج سلفی‌گری در این منطقه در ابتدا به سال ۱۹۸۹ و متعاقب حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ مربوط می‌شود که سعودی‌ها به بهانه کمک‌های آموزشی و انسان‌دوستانه به مهاجران افغان ساکن در کمربند شمالی پشتون‌نشین ایالت بلوچستان، مراکز متعددی با عنوان موسسه الدعوة الاسلامیه، اداره الاسرا، موسسه مکتبه المکرمة الخیریه و موسسه المسلم را به‌منظور ترویج اندیشه وهابیت و ضد شیعی‌گری در این منطقه تأسیس کرده‌اند (احمدی و کریمی قهرودی، ۱۳۹۷: ۲۸۳).



نقشه شماره ۱: نقشه پراکندگی گروه‌های قومی در مرزهای چهار کشور همسایه

(Source: Brown, et al, 2024)

[تحت تأثیر مسائل مختلف پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه اشغال افغانستان توسط شوروی و تبدیل شدن این دو کشور به بهشت افراط‌گرایی اسلامی] به میزان بسیاری مذهب و نظامی‌گری بخشی گره‌خورده با جامعه افغانستان و پاکستان هستند (Mufti, 2012). بدین لحاظ ظرفیت‌ها و فضای بالقوه برای هرگونه اقدام تروریستی در درون جامعه نهاده شده است.

۱. از زمان استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷، ایالت بلوچستان خواهان خودمختاری و کسب امتیازهایی ورای سایر ایالات این کشور بود و این امر به درگیری نظامی با دولت مرکزی طی سال ۱۹۴۸ و سال‌های پس‌از آن (۱۹۵۸، ۱۹۷۳، ۲۰۰۷) منجر شده است.

با توجه به نقش مشترک پاکستان و عربستان در این زمینه در منطقه و همسانی برخی از آموزه‌های دیوبندی و وهابیت در به چالش کشیدن آموزه‌های تشیع، این امر همواره یکی از کانون‌های اصلی نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران در گستره جغرافیای جنوب شرق کشور بوده و این مهم به این بدین دلیل است که اکثریت جمعیت جنوب شرق کشور را بلوچ‌های حنفی‌مذهب تشکیل می‌دهند، بسیاری از مولوی‌های بلوچ در خارج از کشور و در عربستان، هند و پاکستان تحصیل کرده‌اند و یکی از این مراکز، جنبش دیوبندی و بنیاد دارالعلوم است که بخش عمده‌ای از هزینه سنگین این گونه بنیادها و مدارس دینی در شبه‌قاره را عربستان سعودی فراهم می‌کند (ایزدی و دبیری، ۱۳۹۲: ۱۱۷). از این‌رو، با توجه به افکار و باورهای مشترک حاکم بر این دو جنبش بنیادگرای دینی (وهابیون و دیوبندی‌ها) در مشرک قلمداد کردن شیعیان، پس این طبیعی است که طلاب خواه ناخواه از تعالیم و ذهنیات موجود در خصوص تشیع متأثر شوند. مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشوری که تحصیل کرده‌اند و نیز حضور علمای مدعو پاکستانی جهت آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، بستر نفوذ آن افکار و آموزه‌ها را در شرق کشور فراهم می‌کنند.^۱ در نتیجه وارد شدن گروه‌هایی با گفتمان مذهبی همچون جندالله و جیش‌العدل به صحنه درگیری با نیروهای حکومتی و خلق حوادث تروریستی به‌مانند حملات انتحاری در مسجد امام علی (ع) و عزاداران حسینی در روز تاسوعا در چابهار و... نشانگر اثربخشی اندیشه‌های مذهبی است. از این‌رو، بهره‌گیری آنان از واژگان و اصطلاحات دینی و توجیه اقدامات خود با عنوان جهاد علیه جمهوری اسلامی و سیمایی شبیه به نیروهای طالبان و جهادی افغان و صحنه‌آرایی شبیه به القاعده، هیچ شکی در خصوص تأثیر آموزه‌های برون‌مرزی نمی‌گذارد (کاوینی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۴). درواقع، حملات انتحاری تروریستی جدید طی سال‌های اخیر در جنوب شرق کشور، نشان‌دهنده تغییر خشونت‌های بی‌هدف اشرار و قاچاقچیان به اهداف مذهبی و اعتقادی تروریست‌ها است که از سوی

۱. نخبگان مذهبی (مولوی) پس از انقلاب اسلامی هم‌زمان با تضعیف سرداران طوایف نه‌تنها در مقوله آموزشی و سوادآموزی، بلکه در ساختار فرهنگی- اجتماعی و سیاسی (طی دو دهه اخیر در حوزه دفاعی- امنیتی) به‌عنوان هدایتگران کنش‌های اجتماعی- سیاسی دارای کارکرد ویژه و منحصربه‌فرد در این منطقه هستند (پیشگامی فرد، ۱۳۸۶: ۶۳؛ ضرغامی و رومینا، ۱۳۹۷: ۳۵-۳۹).

مدارس دینی پاکستان و عربستان تغذیه می‌شوند که این مهم بیش از هر چیز دیگری نشان-دهنده الگوهای تکرارشونده‌ای از دشمنی سابقه‌دار و نسبت کمابیش مستقیم افزایش تنش بین ایران و عربستان است.

جدول شماره ۱: مقوله‌بندی ابعاد حمایت قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای در افزایش ایدئولوژی افراطی

مقوله	مقوله	مجموعه عناصر و مصادیق مقوله
۱	توسعه مدارس و نهادهای مذهبی ایدئولوژیک	تامین مالی ۲۴ هزار مدرسه توسط عربستان سعودی در پاکستان
۲	تقویت فرقه وهابیت و دیوبندی	پشتیبانی مالی از مدارس فرقه وهابیت-احداث مساجد و مراکز تبلیغی، ترویج زبان عربی و استخدام نیروی کار پاکستانی
۳	تربیت معلمان در چهارچوب اندیشه‌های وهابیت	تاسیس دانشگاه بین المللی اسلامی و دانشگاه فیصل آباد
۴	تربیت نیرو برای گروه‌های افراطی	پذیرش دانش آموزان فقیر افغانستانی و پاکستانی و آموزش آن‌ها براساس درسنامه‌های جهادی

منبع: دبیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۶

این امر با عطف توجه به این نکته که ازجمله مهم‌ترین ویژگی دولت‌های ورشکسته^۱ - به‌مانند دولت‌های پاکستان و افغانستان - از دیدگاه کلان، ناتوانی آن‌ها در کنترل مؤثر مرزهای ملی است، بر این اساس، تروریسم در این‌گونه فضاها که دارای چنین ویژگی‌ها و شرایط خاصی دارند، مستعد شکل‌گیری و رشد است (دبیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶)؛ بنابراین از منظر جغرافیایی تروریسم، این شرایط سبب شده است تا مناطق پشتونستان و بلوچستان - افغانستان و پاکستان - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های سنتی جغرافیایی شکل‌گیری تروریسم در دنیا شناخته می‌شوند و مطمئناً با توجه به شرایط پرآشوب کنونی در نظام بین‌الملل، بیش از گذشته، نقش و تأثیرگذاری در حوادث تروریستی آینده خواهند داشت^۲ (اطاعت و دبیری، ۱۳۹۵: ۳۲).

1. The Failed State:

این اصطلاح به‌عنوان یک مفهوم در اوایل دهه ۹۰ م توسط هلمن (Helman) و راتنر (Ratner) تحت عنوان نجات دولت ورشکسته (Saving Failed States) مطرح شد.

۲. ازجمله این گروه‌های شبه‌نظامی رشدیافته و فعال در این منطقه می‌توان به طالبان، القاعده، شبکه حقانی، جماعت الدعوه، شورای کویت، لشکر جهنگوی (Lashkar-e- Jhangvi)، سپاه صحابه (Sipah-e-Sahaba)، جیش محمد، جندالله پاکستان، جندالله ایران، ارتش آزادی بلوچ (BLA)، ارتش جمهوری‌خواه بلوچ

این بی‌ثباتی و عدم اقتدار کامل سیاسی این دولت‌ها بر مرزهای غربی خود، سبب شده است تا ارتباطات قومی در این منطقه افزایش پیدا کرده است و در نتیجه، موجب عبور و مرور غیرمجاز مرزی می‌شود که این وضعیت کارکردهای امنیتی مرز را نادیده می‌گیرد، که خود پیامدهای امنیتی متعددی برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به دارا بودن مرزهای طولانی با این دو کشور- در پی دارد. همچنین، از منظر دیگری نیز باید گفت، همان‌طور که پژوهش / ارغوانی پیرسلامی و حسنوند (۱۳۹۹) نشان می‌دهد، باوجود تهدیدات متعدد تروریسم برای بازیگران خاورمیانه، این مفهوم سازوکار مناسبی برای حضور و مداخله ایالات متحده در این منطقه فراهم می‌کند و به عبارتی، در لوا و پرتو مقابله با آن، منافع و اهداف خود را به جلو می‌راند. لذا، مقابله با تروریسم در سطوح مختلف حائز اهمیت است و لزوماً به معنای حذف، اصلاح یا سرکوب یک گروه/های افراطی نیست.

۳. یافته‌های تجربی

۳-۱. سطح بین‌المللی: چین و روسیه و استمرار مناسبات پیچیده و قابل انتظار

منطقه مکران جزو مجموعه متصل به دریای جنوبی چین و اقیانوس هند است. چین برای تبدیل شدن به یکی از دو قطب قدرت بین‌المللی، ناگزیر است در مناطقی که حداقل از لحاظ جغرافیایی نزدیکی بیشتری نسبت به ایالات متحده دارد، دست برتر را داشته باشد.^۱ احداث پروژه کریدور اقتصادی چین - پاکستان در قالب جاده ابریشم جدید در این زمینه توانسته است هزینه‌های ترانزیت انرژی مورد نیاز چین به یک سوم سطح جاری تقلیل ببخشد. بی‌شک منطقه مکران، برای چین به‌منزله شاهراهی است که آن‌ها را به منطقه خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا و سرزمین بکر آفریقا خواهد رساند (حسنوند، ۱۴۰۰: ۵۶). وانگ‌بی^۲، بلندپایه‌ترین مقام

(BRA)، جبهه آزادی‌بخش بلوچ (BLF)، داعش (در قالب لشکر یمامه و جماعت الاحرار)، جیش العدل و... اشاره کرد. برای اطلاع بیشتر ر. ک، به: (غفوری و داوند، ۱۳۹۴) و (Pant, 2009).

۱. تا آنجا که رهبران خاورمیانه وابسته به آمریکا باشند، ایالات متحده برتری‌اش را در این تقابل حفظ خواهد کرد؛ اما اگر تعدیل و تنزل قدرت آمریکا بیشتر مشابه خروج از منطقه باشد، این رهبران امکان دارد شروع به دور شدن از آمریکا کنند و چین به قدرت برتر و مسلط خاورمیانه تبدیل شود (Cook & Green, 2021).

سیاست خارجی چین، در مارس ۲۰۲۳ در بیانیه‌ای عنوان کرد که «پکن نقش مهمی در ازسرگیری روابط دیپلماتیک [ایران و عربستان] داشته است» (Nereim, 2023).

کشورهای آسیا کانون اصلی نیات چین برای نقش‌آفرینی در اقتصاد بین‌الملل هستند. طرح بلندپروازانه «کمربند و جاده» با هزینه‌ای در حدود یک تریلیون دلار که از سوی شی جین پینگ در سال ۲۰۱۳ مطرح شد، شبکه گسترده‌ای از خطوط راه‌آهن و خطوط کشتیرانی بین چین و ۶۵ کشور در آسیا، شمال آفریقا، خاورمیانه و اروپا را توسعه بخشیده است. میزان سرمایه‌گذاری چین در این طرح به‌مرور افزایش یافته است و از ۱۴ درصد افزایش در طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، انتظار می‌رود که به ۱ تا ۱/۳ تریلیون دلار تا سال ۲۰۲۷ برسد (Stanley, 2018).

سیاست خاورمیانه‌ای چین در تناسب با طرح کمربند و جاده است که چین را با ۶۵ کشور متصل می‌کند که شامل مناطق آسیا، شمال آفریقا و اروپا است. ۱۱ کشور در آسیای جنوب شرقی، ۱۴ کشور در آسیای مرکزی و غربی، ۱۶ کشور در خاورمیانه و آفریقا و ۲۴ کشور در اروپا را در برمی‌گیرد. ارزیابی مسیرها و منحنی طرح چین برای تثبیت جایگاه بین‌المللی خود، حاکی از تمرکز بر منافع بزرگ اقتصادی و البته انسانی است، زیرا ۶۵ کشوری که در این مسیر قرار دارند، ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اسمی جهانی، ۴۰ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی جهانی و ۴۴ درصد از جمعیت جهان را در بردارند (Stanley, 2018).

ابتکار کمربند و جاده - که در تناسب با^۱ MSRI (در مجموعه منطقه اقیانوس هند) است - کاتالیزوری برای تقویت روابط چین با خاورمیانه و شمال آفریقا است که بر مبنای ایده BRI^۲ در سال ۲۰۱۳ اهمیت استراتژیک آن را در جاه‌طلبی‌های سیاسی بین‌المللی این کشور تأیید می‌کند (Fulton, 2019: 2).

مقارن با تغییر رفتار بازیگران نوظهور مانند چین، بازیگران منطقه‌ای نیز تلاش دارند تا ضمن حفظ مفروضات اصلی الگوهای دوستی و دشمنی سستی خود، در بافت جدید معادلات سهیم باشند. در این راستا، آن‌ها بخشی از هزینه‌های خود در مسیر همسوسازی با احتمال توفیق

1. Maritime Silk Road Initiative

۲. BRI مخفف (Belt and Road Initiative) است که مسیر زمینی در سراسر اوراسیا و کمربند اقتصادی جاده ابریشم (SREB) - و ابتکار جاده ابریشم دریایی (MSRI) در سراسر منطقه اقیانوس هند تشکیل شده است.

قدرت‌های نوظهور قرار داده‌اند. بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس، پاکستان و اسرائیل، در این مورد همسو با نیت بلندپروازنه چین از پکن تا مدیترانه را در دستورکار راهبردی خود قرار داده‌اند و ایفای نقش آن‌ها در منطقه مکران و حوزه خلیج فارس بخشی از این موضوع است.

جایگاه عربستان سعودی در چندجانبه‌گرایی و اهداف بلندمدت اقتصادی چین غیرقابل‌انکار است و چینی‌ها به نحوی اهداف خود را با سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ سعودی‌ها در تناسب نسبی قرار داده‌اند. چین ضمن حمایت از «ابتکار سبز خاورمیانه» سعودی‌ها و از مشارکت آن‌ها در طرح توسعه جهانی استقبال کرده است. به تعبیر شی جین‌پینگ، چین به ترویج هم‌افزایی بین ابتکار کمربند و جاده و چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی و ایجاد الگوی همکاری در سطح بالا بین دو کشور در زمینه‌هایی مانند انرژی، اقتصاد و تجارت و همچنین فناوری بالا ادامه خواهد داد (Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China, 2022). نقش چین و روسیه برای هماهنگ کردن بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس و ایران بسیار حائز اهمیت است. هرچند در مواردی این نقش متناقض و دوگانه به نظر می‌رسد و این دو بازیگر در برخی ملاحظات، منافع بازیگران عربی را مقدم بر منافع ایران قرار داده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که این دو قدرت معتقدند که با توجه به تعمیق تنش ایران و غرب و بخصوص بعد از حملات موشکی ایران به اسرائیل به‌تلافی رفتارهای تروریستی اسرائیل به‌ویژه در سفارت ایران در سوریه، ایران راهی دیگری جز پذیرش مطالبات و رفتارهای روسیه و چین ندارد و حداقل در سطح فراخواندن سفرا چاره‌ای دیگر نخواهد داشت.

در این راستا، شورای همکاری خلیج فارس این چشم‌اندازهای کنونی خود را [در پی توافقات متعدد به‌ویژه از سال ۲۰۲۰ به بعد] پس از سال‌ها درگیری داخلی مطرح کرده و به دنبال محیطی با ثبات برای پیشبرد برنامه‌های توسعه بلندپروازانه است. این اهداف به دنبال اجلاس الولا -در ژانویه ۲۰۲۱ که به محاصره قطر پایان داد- و توافق مارس ۲۰۲۳ پکن -که روابط عادی دیپلماتیک بین ایران و عربستان سعودی را احیا کرد- در دستور کار قرار گرفته است (Haghirian, 2024). به‌واقع، چین برای دستیابی به اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی خود نیازمند ایجاد نوعی همسویی [و لو مقدماتی] بین بازیگران اصلی غرب آسیا است و به تعبیر

باربارا سالوین^۱، «چین جنبه سازنده خود را با میانجیگری برای یک معامله بین ایران و عربستان نشان داد» (Slavin, 2023). بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۹، واردات نفت چین از منطقه خاورمیانه به میزان ده برابر افزایش پیدا کرده است. در بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰، کشورهای خلیج فارس تقریباً ۴۰ درصد از واردات نفت چین را بر عهده داشته‌اند که در این میان، سعودی‌ها با تأمین ۱۶ درصد از آن، به بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت خام چین تبدیل شده‌اند. در کشور عراق -که آمریکا میلیاردها دلار جهت تغییر رژیم در آن هزینه کرده- جزو پنج تأمین‌کننده اصلی نفت چین است (Cook & Green, 2021).

شکی نیست که پکن، ایران را به‌عنوان دارایی اصلی خود در غرب آسیا می‌بیند. ایران دارای منابع طبیعی عظیم، سرمایه انسانی فراوان و بازاری نسبتاً بکر است. چین در حال حاضر بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است که به‌عنوان یک امتیاز قلمداد می‌شود و با توجه به دورافتادگی سیاسی ایران از نظام بین‌الملل، می‌تواند به مشتری اصلی چینی تبدیل شود. همه‌چیز در روابط ایران و چین بر اساس اقدام‌های آمریکا شکل نمی‌گیرد. باین‌حال، بر ایران پوشیده نیست که چین با تک‌تک کشورهای خاورمیانه - از جمله رقبای ایران، اسرائیل و عربستان سعودی - روابط دارد، دستاوردی که در صورت نزدیک شدن بیش‌ازحد پکن به تهران ممکن است به خطر بیفتد (Vatanka, 2019). در سال‌های اخیر، شرکت‌های چینی، سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی چابهار را آغاز کرده‌اند. گستره کامل و جزئیات برنامه‌های اقتصادی ایران و چین، از جمله مشارکت استراتژیک ۲۵ ساله به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار تا حدودی مبهم است. باین‌حال، نشانه‌هایی وجود دارد که سرمایه‌گذاری‌های چینی را در چندین بخش از جمله زیرساخت، تولید و انرژی در برمی‌گیرد. این سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است به‌طور بالقوه به پروژه‌هایی مانند بندر چابهار گسترش یابد (Aman, 2024).

حضور پرسنل‌های نظامی و امنیتی چین به توجیه حفاظت از منافع چین در پروژه‌های مشترک با ایران، موقعیت چین را نه‌تنها در خاورمیانه، بلکه در آسیای مرکزی و قفقاز به میزان زیادی ارتقا خواهد بخشید. همچنین، چین از طریق ایران و قفقاز، یک مسیر زمینی به اروپا و حتی دریای سیاه خواهد داشت، مشروط بر اینکه گرجستان به آن اجازه دسترسی به بنادر

دریای سیاه خود را بدهد (Hunter, 2020). ایران تنها کشور خاورمیانه نیست که با چین شراکت منحصربه‌فردی دارد. چین در سال ۲۰۱۸، مقارن با توافق با ایران، توافق‌های همکاری چندبعدی و بلندمدتی را با کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و امارات منعقد کرد (Fulton, 2020). محمد بن سلمان اعتقاد دارد که چین یک شریک راهبردی مهم و جامع برای عربستان است. در سال‌های اخیر، با پیشرفت روابط در زمینه‌های مختلف، چین به الگویی از توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی برای کشورهای جهان تبدیل شده است. عربستان سعودی برای جایگاه چین و توسعه روابط خود با چین اهمیت زیادی قائل است و قاطعانه به اصل چین واحد پایبند است. عربستان قاطعانه از حقوق همه کشورها برای انتخاب مستقل مسیرهای سیاسی و حقوق بشری خود حمایت کرده و مایل به همکاری با چین برای تقویت مبادلات در سطح بالا، امضای توافقنامه‌هایی برای هم‌افزایی چشم‌انداز ۲۰۳۰، همکاری کمر بند و جاده و تعمیق همکاری در زمینه‌هایی مانند اقتصاد، تجارت، حمل‌ونقل، زیرساخت‌ها و انرژی است (Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China, 2022).

تحلیل‌گران روسی معتقدند که امروزه دخالت قدرت‌ها در مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای افزایش یافته است؛ بنابراین، مسکو برای ایجاد قوانین و قواعد جدید و نظم نوین جهانی تلاش می‌کند. این قواعد شامل پایان دادن به یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها برای شکل دادن رژیم‌های نامشروع و از بین حکومت‌های مشروع است. رهبران روسی معتقدند که سازمان ملل باید معیارهای روشنی برای تمایز میان قیام‌های ملی و واقعی با شورش‌هایی که توسط نیروهای خارجی تحریک می‌شوند، قائل شود و انقلاب‌های رنگی و مداخله‌ها به بهانه حمایت از مخالفان [به نام دفاع از حقوق بشر و آزادی بیان] باید کنار گذاشته شود. (Zvyagelskaya, 2015: 2). درعین حال، روسیه از فرصت ریاست شورای امنیت سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۰ استفاده کرد تا «مفهوم امنیت جمعی منطقه خلیج فارس» را در سال ۲۰۱۹ معرفی کند. روسیه ایجاد یک سازمان امنیت و همکاری در خلیج فارس را متصور بود که هشت کشور ساحلی به همراه روسیه، چین، ایالات متحده، اتحادیه اروپا، هند و سایر طرف‌های ذینفع را به‌عنوان ناظر یا اعضای وابسته تشکیل می‌داد. این ابتکار با هدف ایجاد اعتماد و تقویت همکاری گام‌به‌گام در زمینه کنترل تسلیحات، از جمله منطقه عاری از سلاح هسته‌ای و مبارزه با تروریسم و درعین حال تشویق همکاری‌های اقتصادی، بشردوستانه و زیست‌محیطی انجام

شد. بااین‌حال، تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲ باعث شد که مسکو تلاش‌های خود برای پیشبرد این پیشنهاد را کنار بگذارد (Haghirian, 2024).

روس‌ها به نحوی حضور خود در خاورمیانه را در مقابل سیاست «تقسیم و تسخیر»^۱ غرب، تعریف می‌کنند؛ سیاستی که از زمان امپراتوری روم در زمان سزار^۲ و حمله ارتش روم به مقدونیه به وجود آمد و مقدونیه را به چهار منطقه تقسیم شد. این سیاست یک استراتژی برای جنگ همیشگی را دنبال می‌کند. بر این اساس، خاورمیانه، تمام جهان را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. لذا، آمریکا امپراتوری است که به دنبال سلطه بر جهان و منابع آن است و اگر سوریه در این جنگ شکست بخورد به سرنوشت عراق یا لیبی دچار خواهد شد (Guzman, August 24, 2013).

علیرغم تأکید نخبگان و مقام‌های ایرانی مبنی بر اهمیت منطقه مکران برای آینده راهبردی ایران، ایران یکی از شکننده‌ترین و ضعیف‌ترین کشورها در این منطقه مهم ژئوپلیتیک جهان است. در سال ۲۰۲۱، ظریف، وزیر امور خارجه وقت، در مراسمی در دهلی‌نو در بیانیه‌ای بیان کرد و بر موضع ایران در قبال بندر چابهار تأکید کرد. وی تصریح کرد: ما به دوستان هندی و چینی خود به‌صراحت اعلام کرده‌ایم که چابهار برای همکاری با همه باز است، چابهار نه مخالف چین است، نه مخالف گوادر است. ظریف تأکید کرد که چابهار به‌عنوان بستری برای تلاش‌های مشترک با هدف توسعه و رونق در منطقه است. پاکستان قبلاً علاقه خود را برای ایجاد ارتباط بین گوادر و چابهار با پیشنهادهایی مبنی بر تعیین این دو بندر به‌عنوان «بنادر خواهر» ابراز کرده است (Aman, 2024).

بااین‌حال، آیا می‌توان انتظار داشت که نوع رفتار و سیاست چین، هند و حتی روسیه با بازیگران مجموعه مکران - و در ذیل آن جنوب شرق ایران - و مجموعه کنشگران عربی خلیج فارس به سمت وابستگی متقابل اقتصادی^۳ - ترجیحاً با محوریت بازیگران آسیایی - ختم

1. Divide and Conquer

2. Caesar

۳. همان‌طور که پیشتر کوهن و نای نیز اذعان داشته‌اند که تجارت آزاد اهمیت بیشتری در کشاندن دولت‌ها به شبکه‌ای از وابستگی متقابل اقتصادی خواهد داشت؛ بدان معنا که هزینه‌های مادی درگیری‌های بین‌المللی به‌قدری زیاد است که جنگ اساساً غیر قابل تصور می‌شود (Nye & Keohane, 2001).

شود؟ بی‌شک، حداقل در کوتاه‌مدت پاسخ منفی خواهد بود، زیرا ساخت و پیوند امنیتی بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس و مکران با قدرت‌های غربی تا حدی نهادینه شده است و از سوی دیگر نیز، توافقات و اسناد مشترک شکل گرفته به‌ویژه پس از ۲۰۱۶ به بعد، به دلیل عدم جدی گرفتن ایران و ترسیم مجموعه منطقه‌ای منهای ایران، آینده آن را مبهم خواهد کرد. با عنایت به موقعیت ژئوپلیتیک ایران در این مناطق به‌واقع نمی‌توان فضایی برای دستاوردهای امنیتی و حتی اقتصادی در بلندمدت متصور شد.

فرجام سخن

نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم، شاهد تحولات سریع و پیچیده‌ای است که نه در سطح تجربی و نه تئوریک، با مصادیق پیشین در قیاس نیست. دوران نظم استبدادی نظام جهانی که با حمله آمریکا به عراق و سلطه بر اغلب مناطق همراه بود، تحت تأثیر دلایل متعددی به‌مرور دچار تعدیلات و البته تغییرات بیشتر شد. نخست، ماهیت قدرت که به شکل ژلاتینی و عموماً سیال است و به شکل مستمری در حال دگرگونی است و نمی‌توان مانع تغییرات عمده شد، هرچند که در مواردی امکان و احتمال پیش‌بینی را نیز مقدور می‌سازد. دوم، تجدیدنظرطلبی تدریجی و مسالمت‌آمیز - با محوریت چین - قدرت بین‌الملل به‌خصوص در مناطق پیرامونی آسیا و به‌تدریج آسیای میانه و خاورمیانه با محوریت اقتصاد از سوی پکن و در ادامه مسکو. به‌تبع این مهم، ایجاد الگوهای دوستی و دشمنی جدید با دیگر بازیگران همسو مانند ایران و تلاش برای کسب منافع بیشتر و آمال بلندپروازانه دیگر و تعمیق مناسبات استراتژیک با متحدان غرب در شرق آسیا و نیز خاورمیانه. سوم، اهمیت یافتن مجموعه‌ها و مناطق جدید با دستورکارهای مختلف اعم از اقتصادی و نظامی و غیر آن، به‌عنوان کانونی برای رقابت بهتر و دستیابی به منافع بیشتر در مقابل رقبای خود. مجموعه سواحل جنوبی ایران به دو کانون و منطقه حیاتی غرب آسیا ختم شده‌اند که دروازه دریاهای گرم و آب‌های آزاد کشورهای آسیای میانه و بهترین مجرای ارتباطی برای کسب قدرت جهانی هستند. در این راستا، نویسندگان در تحقیق اخیر به بررسی جایگاه منطقه مکران در نظام دگرگون‌شده جهانی اقدام کرده و به‌تبع آن نیز، نقش بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای نظیر چین و روسیه را موردبررسی قرار داده‌اند. یافته -

های پژوهش بیانگر آن است که نظام فرمانطقه‌ای آسیا، دربردارنده مجموعه متنوع و گسترده از مناطق مختلف است که هر یک دارای ماهیت خاص و البته ترتیبات پیچیده است. برخی از آن‌ها مانند نظم‌های منطقه‌ای متصل به روسیه و چین و حتی تا حدی نیز اخیراً هند، به‌شدت از بازیگران مذکور تأثیر می‌پذیرد و در نمونه‌هایی نیز مانند جنوب شرق آسیا و نیز غرب آسیا (با دو نظام منطقه‌ای متصل) محل رقابت بین بازیگران مداخله‌گر و محلی است. به عبارتی، بازیگران منطقه‌ای شاید توانمندی کنشگران بزرگ را در مناطق خود نداشته باشند، ولی به‌واسطه بهره‌گیری از فضای جغرافیایی، انسانی، فرهنگی-هویتي و نیز اقتصادی-نظامی خود، در مناطق محلی خود دارای قدرت بسیار هستند. این مهم به‌ویژه با افول نسبی قدرت ایالات متحده در دو دهه حاضر به‌صراحت دیده می‌شود.

اهمیت منطقه مکران و بخصوص منطقه جنوب شرق ایران و سواحل دریایی ایران را می‌توان در نگرش بازیگران عربی حاشیه خلیج فارس و مناسبات آن‌ها با بازیگران بزرگ مانند چین مشاهده کرد، هرچند تحت تأثیر دلایل متعدد نقش ایران به‌عنوان بازیگر مهم، تعمداً نادیده گرفته شده و این موضوع نیازمند بازنگری اساسی است. به‌واقع، نقش ژئواستراتژیک منطقه جنوب شرق ایران و به عبارتی، مکران، تحت تأثیر سه مجموعه از سیاست‌ها و الگوهای رفتاری است: سیاست‌های داخلی بازیگران و مسائل و مشکلات مرتبط با توسعه، سیاست‌های منطقه‌ای و مرزی دیگر بازیگران و امکان تسری مسائل آن به داخل، اعم از تنش‌های قومی، افراط‌گرایی و رادیکالیسم مذهبی و مشکلات اجتماعی اعم از مواد مخدر و غیره، نهایتاً، نقش مهم کنشگران بین‌المللی و نیز فرا منطقه‌ای با ماهیت و کیفیات مختلف همسو با نظم موجود یا تجدیدنظرطلب.

در این ارتباط، نقش بازیگرانی چون چین و روسیه حائز اهمیت است و نوع مناسبات این دو با دیگر بازیگران، نقش بسیاری بر آینده مناطقی چون مکران و در امتداد آن خاورمیانه خواهد داشت. مروری بر الگوی رفتاری و سیاست آن‌ها نشانگر اتخاذ دو شیوه و سازوکار متفاوت از سوی این دو بازیگر است. روسیه برای دستیابی به اهداف خود به ترکیبی از سیاست‌های سنتی و جدید اتکا کرده است. پس از سقوط متحدانی چون قذافی و صدام حسین، آن‌ها با حمایت از نقش ایران به مداخله گسترده در بحران سوریه اقدام کردند و مانع تشدید تحولات و دگرگونی‌های برخاسته از سال ۲۰۱۱ (فارغ از هر عنوانی) شدند. فقدان

توانمندی اقتصادی روسیه و مشکلات متعدد داخلی یکی از آسیب‌های جدی دولت پوتین برای ایفای نقش‌های بیشتر در این مناطق شده است. تنگ کردن مسیرهای حیاتی روسیه در جنوب و غرب این کشور از سوی غرب (به رهبری ناتو) منجر به اقدام بحث‌برانگیز آن‌ها در حمله به اوکراین شد. با ادامه این روند، آن‌ها با استمرار روابط خود با برخی بازیگران خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس تلاش داشته تا به‌نوعی در منافع اقتصادی و نیز نظامی آن‌ها شراکت داشته باشد.

روس‌ها در میانه انتخاب‌های راهبردی -همانند چین- تلاش داشته است تا اعتماد بازیگران عربی به‌ویژه سعودی‌ها و اماراتی‌ها را به خود جلب کند و حتی در این راه برخی از خطوط قرمز ایران مانند مسائل مرتبط با جزایر خلیج فارس را نیز مورد بی‌توجهی قرار داده‌اند. هرچند که در مصادیقی نیز چون اعلام حمایت از ایران در مقابل غرب به‌ویژه آمریکا و دفاع از برنامه موشکی و هسته‌ای ایران نیز نشان داده است که برخلاف رفتار سنتی قصد معامله - حداقل در این برهه- را ندارد. روس‌ها در قیاس با چین، در منطقه جنوب شرق ایران و مکران بسیار شکننده‌تر و البته فاقد مقدمات کافی هستند. هرچند که تحت آمال دیرین پترکبیر، آن‌ها بیش از چین و سایرین آرزوی دسترسی به آب‌های گرم از طریق ایران را در سر دارند. فقدان زمینه‌های مشترک گسترده در اقیانوس هند با دهلی‌نو و نزدیکی استراتژیک هند با ایالات متحده و نیز مسائل جغرافیایی و عدم داشتن ابزارهای کافی برای چانه‌زنی و پیشبرد اهداف، از دلایل عمده کاهش نسبی روسیه در قیاس با چین در منطقه مکران است.

ولی موضوع برای چین در جهات مختلف متفاوت است. با توجه به طرح بلندپروازانه بیجینگ برای اتصال ۶۵ اقتصاد به کریدور تجاری و مالی خود و نیز دستیابی به دو منبع انرژی ایران و عربستان، منجر به حیاتی شدن جایگاه مکران برای چین شده است. با این وجود، یک مسئله بسیار مهم در مورد رفتار چین در مکران و خلیج فارس وجود دارد و آن ترجیح رقبا و دیگر بازیگران به‌جای ایران است. نوع مناسبات چین با پاکستان و حتی هند در منطقه مکران که قسمت اعظم مرزهای آن در اختیار ایران است، حاکی از منفعل دانستن ایران و این فرض اساسی است که «تهران راهی جز اتکا به چین نخواهد داشت» و آن‌ها تعیین‌کننده نوع مناسبات هستند. در امتداد مکران نیز یعنی در عمان به سمت ابوظبی و در ادامه به ریاض و حتی اورشلیم نیز، تناقض‌های رفتاری چین، حاکی از ایجاد میدان‌های مشترک همکاری بدون ایران

یا حداقل با نقش کم ایران است. همسو کردن راهبردهای سعودی ها در سند چشم انداز متناسب با اهداف چین، حاکی از تمرکز چین به عربستان به عنوان متحد استراتژیک برای منفعت ها از چین تا مدیترانه است. به هر سو، علیرغم جایگاه یابی بسیار مهم مکران برای ایران و نقش آن در بازآفرینی بخش های از قدرت ملی، همچنان در عمل امکان و شرایط لازم فراهم نشده است و بعید به نظر می رسد که در کوتاه مدت نیز گشایشی حاصل شود.

منابع

- احمدی، حمید و کریمی قهرودی (۱۳۹۷). هویت خواهی سلفی در ایالت بلوچستان-پاکستان، فصلنامه سیاست، ۴۸(۲): ۲۷۱-۲۸۸.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و حسونند، مظفر (۱۳۹۹). تروریسم و سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ۲۷(۱): ۱۴۵ - ۱۶۹.
- اطاعت، جواد و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۵). بررسی ابعاد مکانی- فضایی تروریسم، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲: ۴۷-۲۴.
- ایزدی، حسن و دبیری، علی اکبر (۱۳۹۲). ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱: ۹۱-۱۲۶.
- بویل، فرانسیس آنتونی (۱۳۹۰). برهم زدن نظم جهانی: امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه پیش و پس از یازده سپتامبر، ترجمه کیانوش کیاکجوری و علی جعفری منفرد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیشگاهی فرد، زهرا و امید آوج، مریم (۱۳۸۸). ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱: ۴۸-۷۱.
- حسونند، مظفر (۱۴۰۰) منطقه گرایی و مناطق جدید؛ دالان های نوین رقابت؛ مطالعه موردی منطقه مکران، فصلنامه علمی مکران و خلیج فارس، ۱(۳): ۵۰ - ۵۸.
- حسونند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). نظم نوین جهانی و تحول در منطقه گرایی جدید، فصلنامه روابط خارجی، ۱۰(۴۰): ۳۹ - ۶۹.
- دبیری، علی اکبر و حافظ نیا، محمدرضا و صفوی، سیدیحیی و اخباری، محمد (۱۳۹۸). تحلیل مکانی- فضایی شکل گیری و فعالیت گروه های تروریستی در نواحی مرزی افغانستان با پاکستان، دوفصلنامه شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۷: ۲۵-۴۴.

دبیری، علی‌اکبر، حافظ‌نیا، محمدرضا و صفوی، سید یحیی و اخباری، محمد (۱۳۹۶). ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی (مناطق مرزی بین افغانستان و ایران)، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۲: ۱۶۳-۱۹۲.

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۸). افراطی‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان و تأثیر آن بر ج.ا. ایران، *فصلنامه مطالعات شبه قاره*، ۳۶: ۱۰۳-۱۲۴.

صالحی، سید جواد، حسونند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). «طرفیت‌های جغرافیای جنوب شرق ایران و سیستم بازدارندگی منطقه‌ای»، *کنفرانس بین‌المللی امنیت، پیشرفت و توسعه پایدار مناطق مرزی، سرزمینی و کلانشهرها*، تهران، ۵ اردیبهشت.

ضرغامی، برزین و رومینا، ابراهیم. (۱۳۹۷) تأثیر ساختارهای محلی بر کنش اجتماعی - سیاسی بلوچ های ایران، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۳۳(۳): ۲۴-۳۷.

علیمات، محمد. اس (۱۳۹۵). *چین و خاورمیانه: از جاده ابریشم تا بهار عربی*، ترجمه‌ی فریبرز ارغوانی پیرسلامی، تهران: انتشارات انجمن ژئوپلیتیک ایران.

غفوری، محمود و داوند، محمد (۱۳۹۴). ارزیابی و تحلیل تهدیدات اسلام‌گرایی افراطی در پاکستان علیه امنیت ملی ج.ا.ایران، *فصلنامه سیاست دفاعی*، ۲۳(۹۱): ۷۱-۴۱.

ویسی، هادی (۱۴۰۲). توسعه مکران در گرو اتخاذ استراتژی دریایی و آمایش سرزمین، *فصلنامه جغرافیا*، ۲۱(۷۷): ۳۱-۵۴.

Aman, F. (06 June 2024). Rivalry by the Sea:The Gwadar-Chabahar Standoff, Future, (Date Received, Aug 5, 2024), At: <https://www.futureuae.com/en-us/Mainpage/Item/9366/rivalry-by-the-sea-the-gwadar-chabahar-standoff>

Barzegarzadeh Zarandi, M., Yazdanpanah Dero, Q., & Etaat, J. (2022). Iran's Position in Geopolitical Competition between China and India: Emphasizing the Role of Chabahar, *Journal of World Sociopolitical Studies*, 6(2): 343-369.

Beesonm M & Xu, S. (2016). Leadership with Chinese Characteristics: What Role for Soft Power? In Kingah, S & Quiliconi, C. *Global and Regional Leadership of BRICS Countries*, Springer International Publishing Switzerland.

Bhatnagar, A. & Divya, J. (2013). Accessing Afghanistan and Central Asia: Importance of Chabahar to India, Observer Research Foundation, SPECIAL REPORT, (accessed June 2, 2024), www.orfonline.org, pp: 1-16. at: <https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2013/11/specialreport.pdf>

Brown, M & et Al.(2024). Balochistan Case Study, www.carleton.ca/cifp/app/serve.php/1398.pdf. (accessed at: June 8, 2024.)

Buzan, B. (2003). Security architecture in Asia: The interplay of regional and global levels. *The Pacific Review*, 16(2): 143-173.

Cohen, S.B. (2003). *Geopolitics of the World System*, Rowman & Littlefield.

- Cook, S. A. & Green, J. (2021). China Isn't Trying to Dominate the Middle East: But U.S. Retrenchment Might Allow It To, *Foreign Affairs*, Aug 9, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2021-08-09/china-isnt-trying-dominate-middle-east>
- Fulton, J. (2019). China's Changing Role In The Middle East, Atlantic Council, June, at: https://www.atlanticcouncil.org/wpcontent/uploads/2019/06/Chinas_Changing_Role_in_the_Middle_East.pdf
- Giegerich, B, Hokayem, E & Jagtiani, S. (2022). *Regional security and alliances in the Middle East and the Indo-Pacific: implications for European security*, IISS, The International Institute, at: <https://www.iiss.org/globalassets/media-library---content--migration/files/researchpapers/2022/hanns-seidel-paper---regional-security-and-alliances.pdf>
- Guzman A. T. (August 24, 2013). The Crises in Syria, Lebanon and Egypt: The Plan to 'Divide and Conquer' the Middle East and Why All Roads Lead to Tehran, *Global Research*, Center for Research on Globalization. AT: <http://www.globalresearch.ca/the-crises-in-syria-lebanon-and-egypt-the-plan-to-divide-and-conquer-the-middle-east-and-why-all-roads-lead-to-tehran/5346864>
- Haghirian, M. (April 29, 2024). To Succeed, the GCC Requires Cooperation with Iran for Regional Security, *STIMSON*, (accessed June 6, 2024), At: <https://www.stimson.org/2024/to-succeed-the-gcc-requires-cooperation-with-iran-for-regional-security/>
- Hunter, T. S. (2010). *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*, Greenwood, Santa Barbara, California
- Hunter, T. S. (2020). How Iran-China deal could alter the Middle East's balance of power, July. 14, *Middle East Eye*, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/how-iran-china-deal-could-alter-middle-east-balance-power>
- Melissen, J. (2005). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, New York, Palgrave Macmillan.
- Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China (2022). Wang Yi Meets with Saudi Arabian Foreign Minister Faisal bin Farhan Al Saud, March.23, at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202203/t20220323_10654598.html
- Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China (2022). June.17, At: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjbxw/202206/t20220617_10705710.html
- Ministry of Foreign Affairs, the People's Republic of China (2022). Xi Jinping Speaks with Saudi Arabia's Crown Prince Mohammed bin Salman on the Phone, April.15, at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202204/t20220416_10668788.html

- Moore, R. (2021). Human Intelligence in the Digital Age, Speech Delivered at the IISS on 30 November, IISS, <https://www.iiss.org/events/2021/11/human-intelligence-digital-age>
- Mufti, M. (June 2012). Religion and Militancy in Pakistan and Afghanistan, *Center for Strategic and International Studies* at: <<http://csis.org/files/publication/120628_Mufti_ReligionMilitancy_Web.pdf>> 3)- Jalalzai,
- Musa Khan (1998). *The Sunni- Shia Conflict in Pakistan*, Lahore: Book Traders.
- Nereim, V. (March 10, 2023). Saudi Arabia and Iran Agree to Restore Ties, in Talks Hosted by China, *The New York Times*, (accessed June 6, 2024), At: <https://www.nytimes.com/2023/03/10/world/middleeast/saudi-arabia-iran-reestablish-ties.html?smid=nytcore-ios-share&referringSource=articleShare>
- Nicolini, B. (2024). The Baloch People: Iran-Pakistan Crisis, at: https://www.researchgate.net/publication/377555889_2024_The_Baloch_People_Iran-Pakistan_Crisis
- Nye, J. S. & Keohane, R. O. (2001). *Power and Interdependence*, 3rd edn, Longman: New York, N.Y.
- Office of the Commissioner General for Refugees and Stateless Persons (CGVS/CGRA). (25 June 2024). Pakistan: Security Situation, Belgium, Cedoca, Documentation and Research Department of the CGRS, at: https://www.cgra.be/sites/default/files/rapporten/coi_focus_pakistan_security_situation_20240625_1.pdf
- Pant, H. V.(2009). Pakistan and Iran's Dysfunctional Relationship, *Middle East Quarterly*, xvi (2): 43-50.
- Sakhuja, V. & Prabhakar, W. Lawrence S. (2022). *Maritime Security Complexes of the Indo-Pacific Region*, Indian Council of World Affairs and Centre for Public Policy Research.
- Scita, J. (2019). No, China Isn't Giving Iran \$400 Billion, Sep. 29, *BOURSE & BAZAAR*, at: <https://www.bourseandbazaar.com/articles/2019/9/20/no-china-isnt-giving-iran-400-billion>
- Slavin, B. (March 10, 2023). China Shows its Constructive Side by Brokering a Deal Between Iran and Saudi Arabia, *STIMSON*, (View date 6 June 2024), At: <https://www.stimson.org/2023/china-shows-its-constructive-side-by-brokering-a-deal-between-iran-and-saudi-arabia/>
- Small, A. (2015). *The China-Pakistan Axis: Asia's New Geopolitics*, New York, NY: Oxford University Press.
- Stanley, M. (2018). Inside China's Plan to Create a Modern Silk Road, at: <https://www.morganstanley.com/ideas/china-belt-and-road>
- Thompson J; Pronk, D & Manen H. V. (2021). *Geopolitical Genesis: Dutch Foreign and Security Policy in a Post-COVID World*, Strategic Monitor, The Hague Centre for Strategic Studies, Netherlands Institute of International.
- Tishehyar, M. (2011). The Dynamism of Iran-India Relations: 1979–2009, *Iranian Review of Foreign Affairs*, 2(2):127–156, at: <http://www.isrjournals.com/images/pdf/7-tishehyar-6.pdf>.

- Vatanka, A. (2019). China's Great Game in Iran, 5. Sep, *Foreign Policy*, at: <https://foreignpolicy.com/2019/09/05/chinas-great-game-in-iran/>
- Zvyagelskaya, I. (December 2015). Russia in a Changing Middle East, *RIAC*, *Russian International Affairs Council*.

